

نگاهی به آینده احتمالی فوتبال ایران بعد از انتخابات فدراسیون در گفت‌وگوی «جوان» با واعظ آشتیانی

رئیس جدید فوتبال باور به مبارزه با فساد داشته باشد

گفت‌وگو
دیناجدیری

فدراسیون فوتبال امروز رئیس جدید خود را می‌شناسد؛ رئیسی که انتظارات بسیاری از او برای ایجاد تغییرات اساسی در ساختار فوتبال ایران وجود دارد اما به باور واعظ آشتیانی، توفیق چندانی حاصل نخواهد شد و نمی‌تواند انتظارات مردم و کارشناسان را برآورده کند چرا که آن قدر که در حرف و سخن توانمند و شجاع است، در عمل این‌گونه نخواهد بود.

■ ■ ■ ■

رئیس جدید فدراسیون فوتبال امروز بر اساس رأی اعضای مجمع انتخاب می‌شود. فکر می‌کنید رأی این ۸۹ نفر چه تأثیری در سرنوشت آینده فوتبال ایران دارد؟

فرقی نمی‌کند. مجمع به هر یک از این چهار کاندیدا رأی دهد، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد. می‌خواهد مجمع عقلائی یا به هر مدل دیگری رأی بدهد؛ چراکه شخصاً توانایی در این‌فقر نفر نمی‌بینم که بخواهند تحولی را که مد نظر مردم و کارشناسان است، به وجود بیاورند و حداقل من خیلی خوش‌بین نیستم که اتفاق خاصی رخ بدهد چرا که اولاً افرادی که امروز کاندیدا هستند در این فوتبال بوده‌اند (استحاج پس داده) و حالا چه ایده‌ای دارند که با حضور مجدد آنها بتوان امیدوی به ایجاد تغییرات داشت. از سوی دیگر برخی از این افراد در وضع موجود فوتبال ایران نقش داشتند. برخی هم در گذشته در مسئولیت‌هایی بودند که عملکردشان مشابه شاه‌سلطان حسین بوده و با این اوصاف بعید می‌دانم اتفاق خاصی رخ دهد.

یعنی با توجه به حضور افرادی که (جز یک نفر) پیش‌تر سابقه مدیریت در فوتبال ایران را داشتند، هیچ‌امیدی به ایجاد تغییرات یا شرایط بهتر نیست؟

بحث امیدواری نیست. شخصاً خوش‌بین نیستم. ما کم نداریم افراد توانمند و مدیر و مدبر و تحصیلکرده که هم از جنس فوتبال هستند و هم بازیکن ملی بودند و هم مشکل بازنستگئی نداشتند. اما خود فوتبالی‌ها هم به خودشان جفا کردند و سراغ این افراد نرفتند و از آنها نخواستند برای حضور در انتخابات یا پیش‌بگذارند و این نشان می‌دهد که سرنوشت این رشته برای خود فوتبالی‌ها هم اهمیتی ندارد که به جای رفتن سراغ افراد کاربلد و تحصیلکرده تنها به حضور علی کریمی بسنده کردند.

خوش‌بینانه اگر نگاه کنیم که رئیس جدید فدراسیون فوتبال قصدی برای انجام کار داشته باشند، با توجه به شرایط موجود و اوضاع فعلی چه مشکلات و سختی‌هایی بر سر راه دارد و به چه مسائلی باید توجه داشته باشد؟

مسائل فرهنگی و اقتصادی از جمله مشکلات و مسائلی است که بر سر راه رئیس جدید است و قدرت چانه‌زنی چه در بعد داخلی و چه بین‌المللی توانایی مدیریتی، داشتن یک استراتژی مدون که ضمن استمرار داشتن برنامه، بتواند آن را به نتیجه مطلوب برساند، داشتن شجاعت و باور لازم و در عین حال فکور بودن، تصمیم‌گیری عقلائی و از همه مهم‌تر بصیرت داشتن در کار مهم‌ترین لازمه مدیریت است که رئیس جدید باید دارای آن باشد تا بتواند گامی در

گزارش
سعیداحمدیان

ایجاد تغییرات بردارد.

عدم شفافیت که زمینه‌ساز فساد است، یکی از بزرگ‌ترین انتقادهاپی بود که به رؤسای فدراسیون فوتبال طی چهار دوره گذشته وارد بود و داستان‌های تکلف‌آمیز بسیاری را در خصوص عقد قراردادهای مختلف از مریبان گرفته تا اسپانسرها و... به دنبال داشت؛ مسئله‌ای که این روزها برخی کاندیداها روی آن زوم کرده‌اند. فکر می‌کنید این شعارها قابلیت عملی شدن را دارند؟

شفافیت و البته پاسخگو بودن از شاخصه‌های مدیران در کشور باشد. فدراسیون فوتبال اما متأسفانه طی چند سال گذشته از شفافیت فرار کرده و همین عدم شفافیت در ارتباط با نوع قرارداد اسپانسرها و مربیانی چون ویلموتس اتفاقات ناگواری را رقم زده است؛ در حالی که وزارت ورزش این حق را داشت که حق و حقوق ملت را در این راستا مطالبه کند و نهادهای نظارتی نیز باید خیلی جدی‌تر ورود می‌کردند. همان‌طور که همه رسانه‌ها این مسائل را دنبال می‌کردند و به‌طور خاص اگر اشاره کنیم به شدت دنبال اطلاعات قرارداد ویلموتس بودند که چطور و چگونه است. درحالی که در این زمینه قبل از هر کس وزارت باید سؤال می‌کرد که اگر سؤال کرده و افسا نکرده امروز باید پاسخگو باشد و اگر می‌پوشیده بود و فدراسیون فوتبال پاسخی نداده باید به حال این وزارت ورزش گریست که نتوانسته در خصوص ساده‌ترین موضوع فدراسیون را موظف به شفاف‌سازی کند و دستگه‌های نظارتی نیز باید پیگیری جدی می‌بودند نه اینکه حالا بعد از رو شدن مسائل همه‌ا بران نگرانی کنند. حالا که ملت باید تاوان سنگین این داستان را بدهد. حال آنکه اگر فدراسیون موظف به پاسخگویی باشد، خود به خود شاهد شفافیت هستیم.

عدم شفافیت زمانی است که کسی خود را موظف به پاسخگویی نمی‌داند و در این خصوص نیز تحت فشار قرار نمی‌گیرد.

ظرفیت‌های درآمذایی فوتبال در دنیا برکسی پوشیده نیست اما درآمذایی در فدراسیون تاج و کفاشیان گویی تنها به حق پخش گره خورده بود... حال آنکه امروز وعده خودکفایی فوتبال داده می‌شود. این امر شدنی است؟

یکی از دلایلی که باعث می‌شود باور داشته باشیم که قرار نیست اتفاق خاصی بعد از انتخابات رخ دهد به همین بحث اقتصادی برمی‌گردد. تمام هم و غم افراد، درآمذایی از حق پخش تلویزیونی است و دیگر آتی‌همی درآمذایی فراموش می‌شود و هر کس برای خودش عددی می‌دهد. یکی ۸۰درصد درآمد فوتبال را از حق پخش می‌داند و دیگری ۷۰و یکی هم ۶۰درصد را. هیچ کس هم نیست که مؤاخذ و پیگیری کند این ادعاهایی که هیچ اساس و مبنایی ندارند. در حالی که بر اساس برآورد انجام شده ۴۰۵درصد درآمذایی از حق پخش است و ۵۵درصد دیگر از منابع دیگری است که آقایان خودشان را از آن محروم می‌کنند. حال فرض کنیم حق پخش وجود نداشت، تا به امروز آقایان چه کردند که وعده خودکفایی می‌دهند؟ امروز این کاندیداها قیلا در فوتبال نبودند؟ در بلیت‌فروشی، کپی‌رایت و بحث تبلیغات حالا چه در زمینه باشگاه‌ها و چه فدراسیون چه توفیقی داشتیم؟

اما گردش مالی فوتبال در دنیا رقم چشمگیری است.

بله، گردش مالی ورزش دنیا بالغ بر ۷۵۰میلیارد یورو و سهم فوتبال به تنهایی حدود ۳۵میلیارد یورو است. آیا همه این رقم از حق پخش تأمین می‌شود یا از دیگر راه‌های درآمذایی؟ آقایان یا چه سازوکار و کدام تجربه می‌خواهند فوتبال را اقتصادی کنند و اصلاً یا در



مجید مریبان، ایران



شفافیت و البته پاسخگو بودن باید از شاخصه‌های مدیران در کشور باشد. فدراسیون فوتبال اما متأسفانه طی چند سال گذشته از شفافیت فرار کرده و همین عدم شفافیت در ارتباط با نوع قرارداد اسپانسرها و مربیانی چون ویلموتس اتفاقات ناگواری را رقم زده است

زمینه اقتصادی کردن فوتبال آسیب‌شناسی، مشورت و بررسی کردند که بتوانند با ایده پردازی‌های قوی و استفاده از افراد کارآمد بتوانند به سمت درآمذایی



بروند؟ آیا اصلاً ایده‌ای دارند که بتواند اتفاقات را جور دیگر رقم بزند که منجر به درآمذایی هم در فدراسیون و هم باشگاه‌ها شود و اقتصاد فوتبال را رونق دهد؟ شخصاً اعتقاد دارم هیچ اتفاق خاصی که مد نظر کارشناسان است در انتخاب هر یک از این افراد نخواهیم دید. حرف و شعار که مهم نیست. در عمل باید دید آقایان چه کارماندا چطور وقتی درد را به خوبی تشخیص نداده‌ایم، وعده در مان می‌دهیم، وقتی راه مداوای درد را نمی‌دانیم، نمی‌توانیم ادعای درمان داشته باشیم. شاید نگاه آقایان مُسکن‌وار و مقطعی باشد که همواره مدیریت کشور ما بر این اصول است. متأسفانه اما وقتی اثر مُسکن از دست می‌رود، تبعات سنگین‌تری را شاهد هستیم.

یکی از انتظاراتی که از رئیس جدید فدراسیون وجود دارد مبارزه با فساد گسترده در فوتبال است. تصور می‌کنید چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟

این یکی از نکاتی است که باید دید کاندیداها چه برنامه‌ای برای آن در نظر گرفتند. آیا به مرور زمان خود نیز همض این سیستم می‌شوند یا نه برای آن باوری وجود دارد و آیا فرمولی در نظر گرفته‌اند که اگر قصدی برای مبارزه دارند نتیجه مثبتی در پی داشته باشد؟ به هر حال نقش رئیس در مبارزه با فساد در فوتبال مهم و تأثیر گذار است البته اگر در این راستا برنامه و باوری وجود داشته باشد.

فوتبال ایران مناسبات زیادی با دولت به خصوص در بحث بودجه دارد. با توجه به حساسیت فیفا در خصوص دخالت دولت و بحث تبلیق این تعاملات باید چگونه باشد که ایجاد حساسیت نکند؟

از نگاه دیگر مهم نحوه ارتباط برقرار کردن با دولت است. خصوصاً که فیفا در این زمینه حساسیت‌های بسیاری دارد و بحث تعلیق به دلیل دخالت همواره وجود دارد. حال آنکه همه فدراسیون‌ها در دنیا با دولت‌های خود تعامل دارند چرا که فدراسیون‌ها متعلق به یک ملت و پرچم یک ملت هستند و نمی‌توانند برای خود سباز جداگانه بزنند و این بحث آزادی و دموکراسی تنها خوراک ایران است. همه جای دنیا انتخابات مهندسی می‌شود اما این اقدام به قدری ظریف است که هیچ جای شک و شبهه‌ای برای فیفا نمی‌گذارد. از سوی دیگر انتخاب‌ها چنان اصولی و بر اساس توانمندی افراد انجام می‌شود که حتی تغییر دولت‌ها نیز خلل و تغییریری در آن ایجاد نمی‌کند اما در ایران این مهندسی ضعیف‌ترین، ناکارآمدترین و بی‌عرضه‌ترین افراد را بر سر کار می‌آورد و چالش‌های دیگر را درست می‌کند.

در آخر اگر رئیس جدید هم روندی را در پیش بگیرد که از مدیران قبلی در چهار دوره گذشته شاهد بودیم چه آسیبی به فوتبال ایران زده می‌شود؟

این نتیجه فوتبال هم از بین خواهد رفت. زمانی در دهه ۵۰ که کره و چین رقیب ما نبودند و ژاپن اندکی رقیب به حساب می‌آمد، میانمار و کویت در آسیا رقیب ایران بودند. اما الان کجا هستند؟ یک آسیب‌شناسی فوتبال در دهه‌های ۵۰ و ۶۰و جایگاه فعلی آنها می‌تواند آینده فوتبال ایران را به تصویر بکشد و هیچ بعید نیست اتفاقی که روزی برای میانمار و کویت افتاد بر ای ما هم حادث شود.

ورزشی

پرونده

آینده فوتبال ایران پس از انتخاب ریاست فدراسیون

نگاه

انتخاب مدیر دلسوز و کاربلد برای نجات فوتبال

■ شیوانوروزی

قصه پرحاشیه مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال سرانجام به پایان رسید و امروز تکلیف رئیس جدید ساختمان ستول مشخص می‌شود. برای تکیه زدن بر پست ریاست چهار کاندیدا حضور دارند که امیدواریم پیروز این میدان انتخاباتی فارغ از شعارهایی که داده و برنامه‌هایی که از طریق رسانه‌ها منتشر کرده است، دلسوز فوتبال باشد و به جای اهداف اقتصادی، سیاسی و... در جهت بازگرداندن این رشته برطرف‌دار و پرهزینه بر ریل موفقیت و پیشرفت قدم بردارد.

از آخرین باری که فدراسیون فوتبال رنگ رئیس را به خود دیده زمان زیادی می‌گذرد. در این مدت که کارها بر عهده سرپرست بود، لزوم روشن شدن تکلیف پست ریاست بیش از پیش احساس شد. البته زمان زیادی برای مشخص شدن زمان انتخابات هدر رفت اما به هر حال طلسم این بلاکلیفی امروز باطل می‌شود و جامعه فوتبال منتظر است فرد پیروز هر چه سریع‌تر برنامه‌هایش را به اجرا دریاورد. موضوع اصلی این است که رئیس جدید برای نجات مستطیل سبز ایران چه کارهایی باید انجام دهد و چه مسائلی را باید در اولویت قرار دهد. رؤسای قبلی علاقه خاصی به تکروری و فرار از نقدهای دلسوزانه داشتند. اگر قرار باشد کاندیدای برنده

در مجمع امروز نیز همین رویه را ادامه دهد، به فرورفتن فوتبال بیمار کشورمان در باتلاق سوءمدیریت کمک خواهد کرد. در غیر این صورت رئیس جدید این فرصت را دارد تا خیلی زود کمیته‌های تخصصی فدراسیون را با استفاده از افراد لایق، خوشگتر و باتجربه تشکیل دهد. کمیته‌های فرهنگی، آموزش، اقتصادی، بین‌الملل و رسانه از جمله بخش‌هایی هستند که می‌توانند فوتبال ایران را دگرگون سازند. خلأهای فرهنگی سال‌هاست که این رشته را به فقر ابرده و شعارهای آقایان نیز کارساز نشده است، ضعف در آموزش همه ابعاد فوتبال را تحت تأثیر قرار داده، بحران اقتصادی کل فوتبال مان را گرفتار کرده و نه تنها خبری از درآمذایی نیست بلکه بدیهی‌های هنگفت هزینه سنگینی را روی دوش بیت‌المال گذاشته است، ضعف در بخش بین‌الملل نیز بارها فوتبال‌مان را با چالش‌های بزرگ مواجه ساخته و در بحث فعالیت‌های رسانه‌ای نیز کمبودهای زیادی احساس می‌شود. این کمبودها، ضعف‌ها و چالش‌های داخلی تنها در صورتی مرتفع می‌شوند که رئیس جدید برای انتخاب مدیران زیردستش شایسته‌سالاری را ملاک قرار دهد نه روابط شخصی و دوستانه و البته منفعت‌طلبانه. هر کس که امروز عهدمدار میراث کفاشیان، تاج و بهاروند شود بدون شک راه سختی پیش رو خواهد داشت و اول از همه باید بگوید که برای ساختن فوتبال آمده یا فرار است پایش را روی ویرانه‌های قبلی بگذارد و خودش را بالا بکشد. می‌برد به دیدگاه، انگیزه و اهداف کاندیدای منتخب مجمع کار سختی نیست و اهالی فوتبال دیگر در این زمینه به درجه استادی رسیده‌اند. خیلی زود معلوم می‌شود آقای رئیس با خودش و فوتبال چند-چند است.

بازتاب



الگوی که به چشم‌مان نمی‌آید!

■ اشرف رامین

پیشرفت، همان واژه‌ای است که فوتبال ایران با آن ناشناس و سال‌هاست رنگ آن را ندیده. ولی هم‌زمان با سوءمدیریت‌های متوالی در فوتبال مان، همسایه‌ها و هم‌قارم‌هایمان با سرعت زیاد در مسیر پیشرفت قدم برداشته و پله‌های ترقی را آهسته و پیوسته طی کرده‌اند. کافی است سر بچرخانیم و وضعیت امروز فوتبال کشورهای نزدیک را با دو دهه قبل مقایسه کنیم؛ آنها چقدر پیشرفت داشته‌اند و ما چقدر پسررفت کرده‌ایم! علت این مسئله چیزی نیست جز بی‌برنامگی، آشفتگی مدیریتی و رسیدن افراد نالایق به صندلی ریاست فدراسیون فوتبال.

شاید تعجب کنید اگر بدانید رده‌های بالای سسال ۲۰۳۱ نقشه کشیده‌اند تا در بین چهار تیم اول آسیا قرار بگیرند. پروژه‌های قطر هم که برای رسیدن به سطح اول فوتبال دنیا به گوش همه رسیده است. این وسط ژاپنی‌ها گوی سبقت را در مدیریت حرفه‌ای و هدفمند از سایر آسیایی‌ها برده‌اند. ۱۰ سال پیش وقتی اوگورا به عنوان رئیس جدید فدراسیون فوتبال ژاپن انتخاب شد کار اصلی‌اش را ادامه دادن راه رؤسای قبلی عنوان کرد؛ موضعی که در فوتبال ما اصلاً وجود خارجی ندارد و هر رئیس با تیم خودش به برنامه‌ها و پروژه‌های قبلی پشت می‌کند و در مسیر جدید قدم برمی‌دارد. اما همان زمان که اوگورا به عنوان نفر اول مدیریت فوتبال ژاپن برگزیده شد، قهرمانی در سال ۲۰۵۰ را هدف بلندمدت فوتبال این کشور خواند. طرح چنین اهدافی اگر چه از نظر ما بلندپروازانه و غیرممکن به نظر می‌رسد ولی این نوع مدیریت است که رسیدن به اهداف بسیار دور را ممکن می‌سازد. ژاپنی‌ها با همین جاهللی‌ها با دو دهه به مر حله دوم جام جهانی صعود و بازیکنان زیادی به تیم‌های معتبر دنیا تراسفر کردند. رمز موفقیت آنها این بوده که مدیران جدید همسو با مدیران گذشته برای اجرایی شدن برنامه‌ها و رسیدن به اهداف تلاش می‌کنند.

و کاپیتان تیم‌های ملی فوتبال آقایان و بانوان، تیم ملی فوتبال آقایان و بانوان، تیم ملی فوتبال ساحلی آقایان و بانوان هستند.

منتقدان زیادی دارد که معتقدند سلامت انتخابات فدراسیون فوتبال را زیر سؤال می‌برد. **■ اقلیتی که در یک رقابت نزدیک تأثیر گذارند** علاوه بر ۳۸ باشگاه و ۳۲ هیئت استانی، ۱۹ عضو باقی مانده مجمع را چهار گروه دیگر تشکیل می‌دهند که اگرچه رأی‌شان به تنهایی تعیین‌کننده نیست، اما رأی آنها می‌تواند در صورت یک رقابت نزدیک بین نامزدها نقش اصلی را داشته باشد و یک نامزد را پیروز و یکی دیگر را بازنده کند. از این تعداد، ۱۲ رأی متعلق به شش سرمربی و شش کاپیتان تیم‌های ملی است که سرمربی